

لحن عراقی مرد حنجره طلایی

29 دی 1391، درگذشت محمدعلی اوحدی

هادی ذالکی



عکس: ایکننا

بعد از ارتحال امام خمینی (ره) مراسمی در آرژانتین برای تلاوت تبلیغی قرآن برگزار شد، آن هم با حضور نمایندگان مذاهب مختلف در سالن اجتماعات یک کلیسا. همان نیم ساعت تلاوتش کافی بود تا جمع را آن قدر تحت تأثیر قرار دهد که چند نفر از کشیش ها با وجود آن که زبان عربی نمی دانستند، به دلنشینی صدایش اقرار کنند. روزنامه بوینس آیرس عکس او و مارادونا را کنار هم زده بود و نوشته بود: «مارادونا ی پاتلاپی، اوحدی حنجره طلایی».

□

پدرش حاج شیخ علی خراسانی نجفی اوحدی بود که در واقع برای تکمیل علوم حوزوی از ایران به عراق رفته بود و پای درس آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی نشسته بود و کرسی تدریس خود را نیز برپا کرده بود. برای همین، محمدعلی اوحدی در سال 1320 در کربلا متولد شد.

محمدعلی همراه با کار درس هم می خواند. گرچه

سیکل را که گرفت دولت عراق به خاطر اصلیت ایرانی اش، مانع ادامه تحصیلش شد. سال 1327 شمسی برای اولین بار دو قاری بزرگ مصری یعنی «عبدالفتاح شعشعی» و «ابوالعینین شعیب» را در عراق دید و تصمیم گرفت مثل آنان قاری قدری شود. برای همین، از یادگیری روخوانی و روان خوانی قرآن نزد «شیخ عبدالرحمن دروی» و «شیخ صلاح الدین» که هر دو لحن عراقی داشتند آغاز کرد.

□

با فوت آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی در حالی به همراه خانواده به ایران بازگشت که انبوهی از تجارب قرآنی در زمینه قرائت با خود داشت. در همین سفر بود که دو نوار کاست از صدای «عبدالباسط» به ایران آورد و از همان زمان مشغول تدریس و آموزش سبک های مختلف قرائت قرآن شد. «در بدو ورود به ایران سطح قرائت پایین بود. دو نوار سوره حشر و تکویر شیخ عبدالباسط را همراه خود به ایران آوردم و خود را موظف به تعلیم و ترویج قرآن در مقام آموزش دیدم و جلسات متعدد و محافل قرآنی را به صورت متمادی در هفته، تا دیر وقت با شاگردان قرآنی ادامه می دادم.»

□

سال 1354 بعد از این که سفیر مصر در مالزی تلاوت محمدعلی را شنید، علیرغم این که کشورش با ایران روابطی نداشت، چنان تحت تأثیر قرار گرفت که او را برای تلاوت در مصر دعوت کرد. محمدعلی اوحدی این فرصت را از دست نداد و هفت روایت قرائت قرآن را از استادان بزرگ مصری آموخت.

همیشه در صحبت هایش شاگردی نزد اساتیدی چون محمود خلیل الحصری، مصطفی اسماعیل و عبدالعظیم خیاط را جزو توفیقاتی می دانست که به سادگی در آن سال ها نصیب هر کسی نمی شد. همان جا بود که اوحدی درسی بزرگ از استاد خود آموخت. «در مصر استاد مصطفی اسماعیل که متون قرائت را به قراء می آموخت معتقد بود قرآن را طوری بخوانید که گویی با مردم سخن می گوید. ایشان پس از شنیدن تلاوت من گفت: آینده بزرگی در پیش داری.»

یک آیه را عبدالباسط می خواند و یک آیه را اوحدی. تا جایی پیش رفت که عبدالباسط گفت: «چه کار می کنی؟ تو که خود من هستی!»

□

تولد و زندگی در عراق باعث شده بود صوت و لحن عربی اش به شدت دلنشین باشد. وقتی هم که تصمیم به آموزش شاگردان گرفت، سبک عراقی را برای آموزش انتخاب کرد. در جمعی متشکل از قرآن دوستان، لقبی از سوی آیت الله خامنه ای به او داده شد تا از آن پس نامش با «استاد الاساتید» همراه شود.

اوحدی نخستین کسی بود که حضور قاریان مصری در ایران و قاریان ایرانی در مصر را در سال های قبل از انقلاب ممکن کرد. خلیل الحصری و ابوالعینین شعیب در سال های 53 تا 55 با هماهنگی او به ایران آمدند. اولین کسی هم که سبک تلاوت مرحوم سعید مسلم، قاری روشندن مصری را در ایران قرائت کرد استاد اوحدی بود.

□

چهل سال خادم حرم مطهر امام رضا (ع) و قاری رسمی تشریفات آستان قدس رضوی بودن، از افتخارات او بود. چهار بار در سال، هنگام غبارروبی حرم مطهر امام هشتم، هر بار حدود سه ساعت قرآن تلاوت می کرد. با اینکه سن و سالی از او گذشته بود ولی وقتی کشیک حرم بود تمام قد می ایستاد. صندلی که برایش می آوردند، می گفت: «در محضر حضرت رضا (ع) خجالت می کشم بنشینم».

احترام به سادات جزء ذاتش شده بود. توی مجلس، اول باید سادات می خواندند. صندلی اگر خالی بود، اول سادات باید می نشستند. حتی بچه سیدی اگر وارد می شد جلوی پایش می ایستاد. منعش که می کردند، می گفت: «سید اولاد زهرا (س) احترام دارد».

فرزندش جواد اوحدی که خود قاری ممتاز و منتخب اعزام به مسابقات سوریه بود، در جنگ شهید شد. پدر شهید بودن ارج و قرب خاصی بین جامعه قرآنی کشور برایش بوجود آورده بود. فرزند دیگرش قاسم اوحدی هم که قاری قرآن است جانبازی را از جیب ه سوغات آورد.

□

سالهای 71 تا 85 نظارت بر آرشیو تلاوت های صداوسیما را بر عهده گرفت. «مقام معظم رهبری بنده را خواستند و فرمودند من می خواهم یک کار مهم به شما محول کنم. بنده گفتم امر یفرمایید. فرمودند: شما باید از مشهد به تهران بیایید و همه آرشیو این 5 شبکه صدا و سیما را بازبینی و بازشنوایی کنید».

علاوه بر این که یکی از ارکان مرکزیت قرآنی مشهد بود، برپایی کلاس های تجوید و صوت و لحنش در شهرهای مختلف کشور باعث شده بود بسیاری از قاریان امروز کشور بتوانند استعدادهایشان را نزد او رشد دهند. به قول خودش کریم منصوری را از کلاس های آموزشی که در کرمان دایر شده بود، کشف کرده و پرورش داده بود. رضا معینی، کاظم گرامی، هاشم روغنی، جواد پناهی و مجید و علی حق پناه هم از جمله شاگردانش به شمار می روند که هر کدام مقام های کشوری و بین المللی دارند.

□

از سال 1348 خادم برگزیده قرآنی شده بود. گواهینامه بین المللی داوری از کشور لیبی را هم داشت. در این سال ها هم خادم برگزیده قرآن کریم در چهاردهمین دوره تجلیل از خادمان قرآن و آموزش بود. اما هیچ کدام از این ها از تواضع و صفایش کم نمی کرد. در همان مراسم چهاردهمین دوره تجلیل از خادمان قرآن بود که آیات قرآن را طوری با توجه به مفاهیم قرائت کرد که اشک از چشمان بعضی از حضار جاری شد.

آنقدر خوشحال و سرحال بود و جوانان را به داشتن روحیه فعال و امید به زندگی توصیه می کرد که سخت می شد باور کرد هفت سال به علت بیماری کلیه، مجبور به دیالیز بوده است. یتیم نوازی اش بین فامیل زبانزد بود. حتی در وصیت نامه نوشته بود: «اگر برای هفتم و چهلمم می خواهید اطعام کنید، اشکالی ندارد؛ به شرط این که فقط یتیم ها مهمان باشند». با این همه، حتی پس از درگذشتش، هنوز خیلی از دوستان و شاگردانش نمی دانند که او در چه کارهای خیری دست داشته است.